

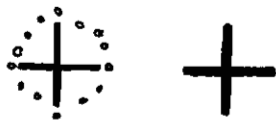


یکی از دایره‌ها که بزرگ شده تا نساها دیده شود

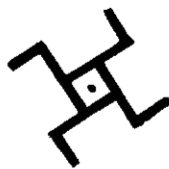
۱۶ - در روستای کهنسال و تاریخی ایبانه که از دید گاه طبیعی نیز روستائی زیبا با درختانی کهن و سالخورده اما شاداب است، بر روی درهای قدیمی خانه‌ها نگاره چلیپا و چلیپای شکسته به کار برده شده است. در این روستا بازمانده درهم تکیده یک آتشکده باستانی به نام «هرپاک»^۱ برجاست که اینک گذرگاه همگانی از زیر آسمانه آن می‌گذرد و این رفت و آمدها برای چنین جای مقدسی زیان بار می‌باشد.

زنان زیان آور و پراحساس روستا هنوز به آئین کهن پوشاک باستانی «ساسانی - صفوی» به تن دارند. مردم گرم و پر مهر آنجا نه تنها توانسته‌اند بافت روستا و ساختمانهای خود را به همان شیوه نیاکانی نگاهدارند بلکه: هوشیاری، سادگی، مهمان‌نوازی و بسیاری از ترادادهای دیرین را حفظ کرده‌اند.

۱۷ - در گورستان تربت‌جام در نزدیکی آرامگاه شیخ احمد ژنده‌پیل (جامی) گنبد فیروزشاهی یا گنبد سبزاز بناهای ارزنده عصر تیموری قرار دارد. بر پایه گنبد و دیوار ایوان مزار جام چلیپا به گونه:

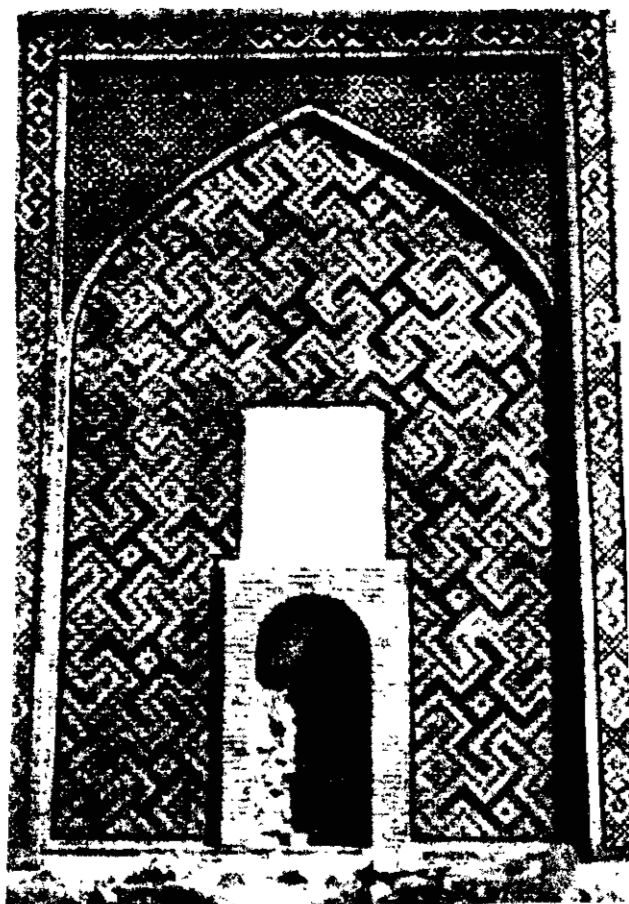


و نیز بر دیوار نزدیک گنبد فیروزشاهی به شکل زیر نقش شده است.



۱ - نام درست این آتشکده هرپک HER PAKE می‌باشد. در گویش ایبانه «هرز» یعنی زیر و «پاک» با الف غیر ملفوظ یعنی پله، بر روی هم زیرپله را می‌رساند. برابر آثار باقیمانده آتشکده در محلی که از سطح کوچه پائین‌تر است واقع شده و از راه پله به آتشکده می‌رفته‌اند. «گفتگوی تلفنی با آقای زین‌العابدین خوانساری ایبانه‌ای»

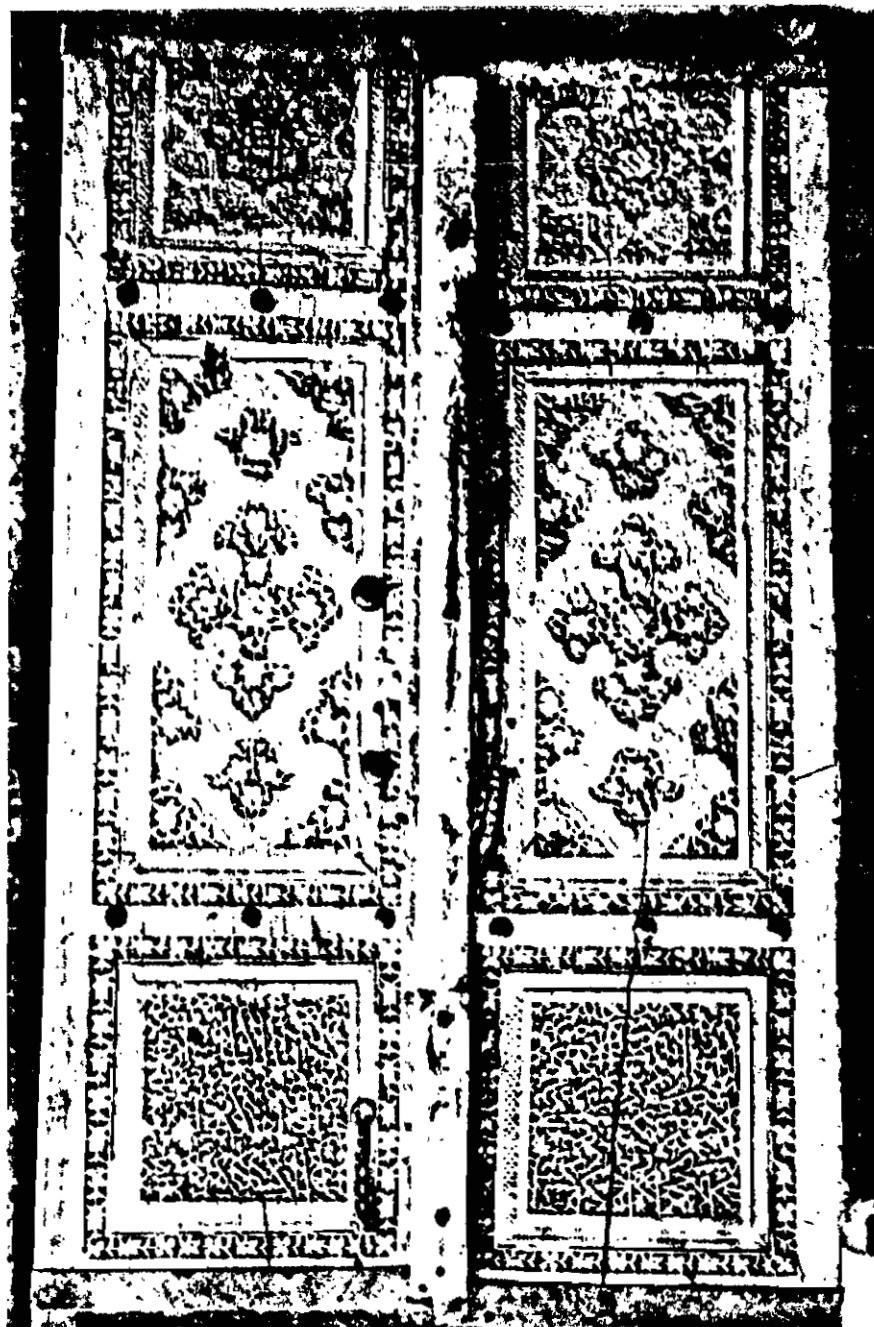
این نگاره را با نگاره «مقبره هشت پهلو» در سمرقند بسنجید.



«نگاره ۱۲۳» دیوار نزدیک گنبد فیروزشاهی، غرب گورستان جام

۱۸ - در افوشته یکی از روستاهای شهر نطنز مسجدی است که دارای دو در بسیار زیبا می باشد. بر یکی از درها دو نگاره چلیپا همانند خاج نقش شده. تاریخ ساخت در «آحد و ثلاثین و ثمان مائه» ۸۳۱ هجری قمری است. نگاره چلیپا را در این در با چلیپای مسجد کبود تبریز و چلیپای انو در بیرون از مرز امروزی ایران بسنجید.

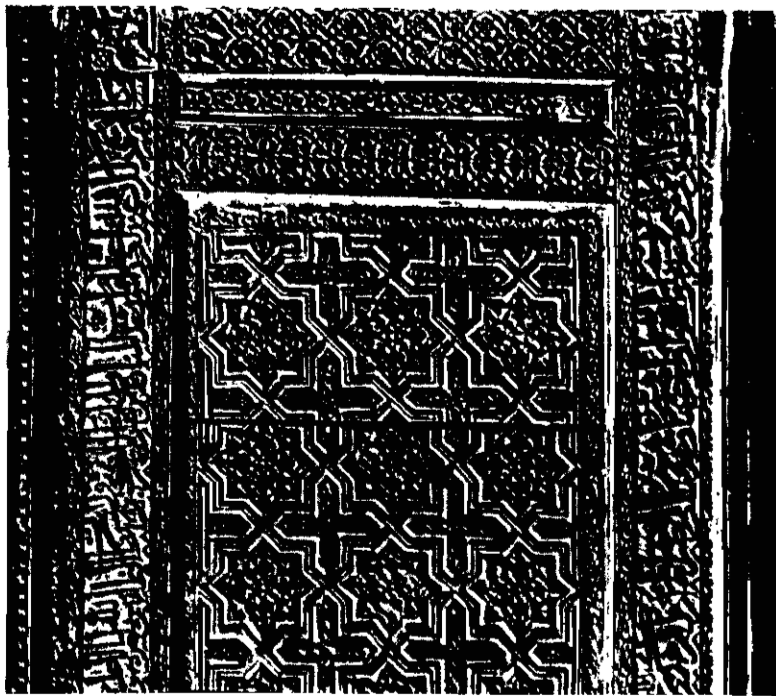
۱ - آثار باستانی خراسان جلد یکم، عبدالحمید مولوی، انجمن آثار ملی، برگ ۶۲.



«نگاره ۱۲۴» در مسجد افوشه

۱۹- آرامگاه امامزاده سید اسماعیل در کوی چاله میدان تهران دارای بنائنی است که در زمان محمد شاه قاجار به سال ۱۲۶۲ هجری ساخته شده. قدیم ترین تاریخ این آرامگاه سال ۸۸۶ هجری است که در بالای در دیده می شود. بخش میانی هر دو لنگه در منبت کاری و کهنسال بوده و دارای نگاره چلیپا می باشد.

۲۰- امامزاده یحیی که در کوی امامزاده یحیی در بخش عودلاجان تهران، از برزندهای قدیم قرار دارد. دارای صندوقی گرانبها است که بر بدنه شمالی آن نگاره چلیپا در چندین رده وجود دارد. ساختمان امامزاده در سال ۱۳۲۰ خورشیدی به پایان رسید. این چلیپاها همانند چلیپاهای امامزاده اسماعیل و هر دو تا اندازه ای بسان چلیپای کاشی زرین فام کاشان هستند.

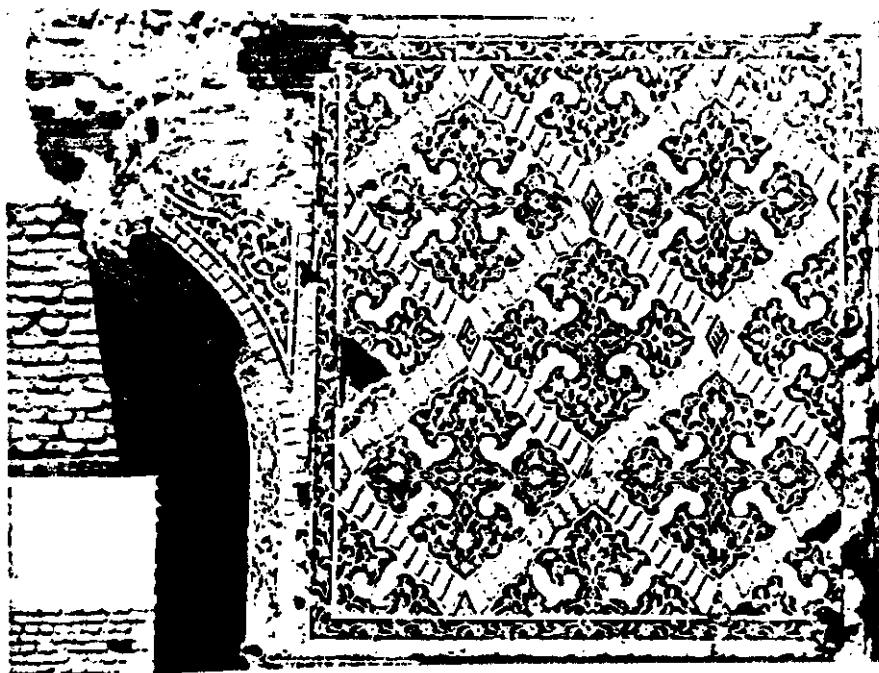


بخشی از نمای صندوق گور امامزاده یحیی

«نگاره ۱۲۵»

۲۱- جهانشاه قره قویونلو که در تبریز حکومت می کرد، مسجد کبود را به سال ۸۷۰ هجری ساخت. این مسجد در آن زمان از ساختمانهای زیبا و خوش آب و رنگ شهر بود. لیکن رفته رفته بر اثر جنگها و زمین لرزه های پی در پی ویران شد. امروز تنها بخش ناچیزی از آن مانده اما کاشیکاری و رنگ آمیزی آن تماشائی و شگفت انگیز است.

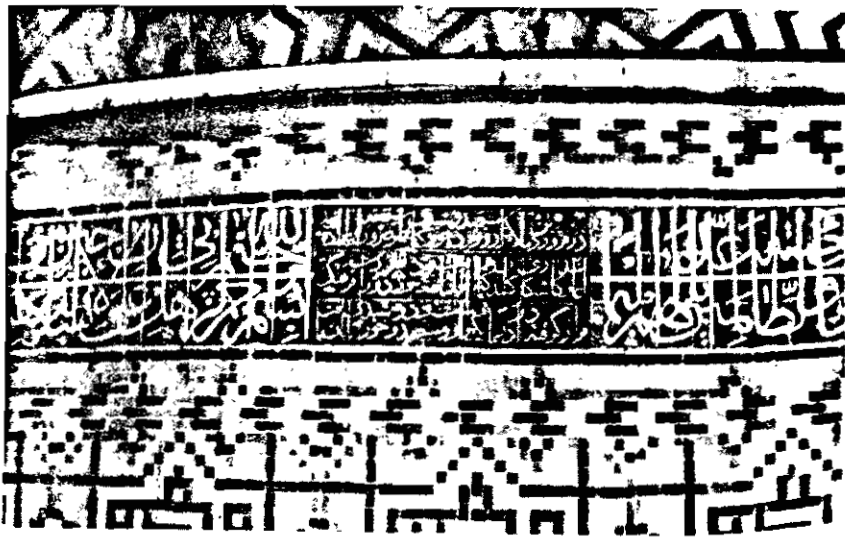
در بخشی از این مسجد چلیپاهائی خاج مانند و زیبا نقش شده است. نامگذاری این مسجد به کبود به علت کاشیهای کبود رنگی است که در آن به کار رفته و حالتی آرامش بخش در بیننده ایجاد می کند.



مسجد کبود در تبریز - چلیپای این مسجد را چلیپای گچ بری کیش در برگهای پیشین بسنجید.
«نگاره ۱۲۶»

۱- گفته می شود دختر جهانشاه آن را ساخته است.

۲۲- امامزاده زید در جنوب بازار پارچه فروشان تهران دارای صندوق کهن و ارزنده‌ای است که تاریخ آن به پیش از پادشاهی صفویان می‌رسد. در پیرامون کمر بند گنبد امامزاده در زیر نوشته‌ها نشان چلیپا دو گانه دو گانه « ++ » در دوره بر روی کاشیها آمده است. تاریخ صندوق به سال ۹۰۲ هجری می‌باشد. ۱. لطفعلی خان زند شاهزاده دلیر و مردم دوست در همین جا به خاک سپرده شده است. وی که مردی بزرگوار، با اراده و مردم دار بود، در ترانه‌های بومی شیراز آن زمان ستوده شده و این گویای خشنودی مردم از اوست. اما همچون بسیاری از مردمان پاکدل و راست کردار و پاک اندیش به چنگ کسانی پست و فرومایه افتاد و پس از شکنجه‌های جانفرسا در تهران مرد.



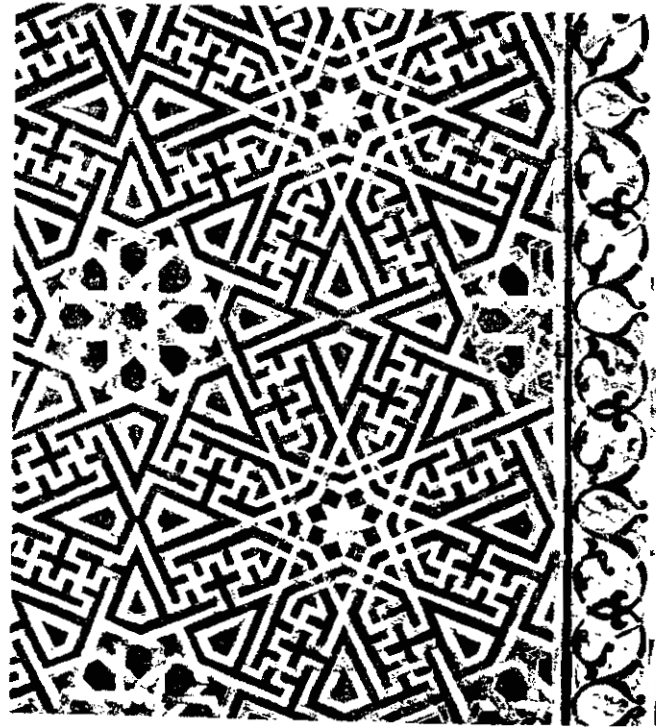
بخشی از کمر بند گنبد امامزاده زید با چلیپا
«نگاره ۱۲۷»

۲۳- آرامگاه شیخ صفی الدین: شیخ صفی الدین در میان مردم اردبیل از شهرت فراوان و نفوذ ژرفی برخوردار بود. هنگامیکه تیمور کشور عثمانی را

۱- آنچه در بند ۱۹ و ۲۰ و ۲۲ آمده همراه با نگاره‌ها از کتاب آثار تاریخی تهران، جلد اول، سید محمد تقی مصطفوی از انتشارات انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۶۱ خورشیدی، گرفته شده است.

گشود و پیروزمندانه باز می‌گشت اسیران بسیاری از ارتش و مردم عثمانی به همراه داشت. وی که به پیشوایان دینی اعتقاد داشت چون آوازۀ شیخ را شنیده بود به دیدار آرامگاه او رفت و سپس به دیدار نوۀ او خواجه علی پرداخت و با وی به گفتگو نشست و گفت از من چیزی بخواه، خواجه علی گفت من چیزی نمی‌خواهم، اسیران رومی را آزاد کن، تیمور آنها را آزاد کرد. اسیران که آزادی خویش را مدیون خاندان صفوی می‌دیدند، در ایران ماندند و خدمات ارزنده‌ای انجام دادند و وفاداری خود را به دودمان صفوی به خوبی نشان دادند. ایل روملو در آذربایجان از بازماندگان آنها هستند. بر آرامگاه نیای این رهانندۀ اسیران، نگارۀ چلیپا مجموعه‌ی زیبایی فراهم آورده است. در هر جا دو چلیپای شکسته به رنگ سفید یک چلیپای سیاه رنگ را در بر گرفته است.

این آرامگاه در سده هفتم هجری ساخته شده و شاهان صفوی در گسترش و زیبایی آن کوشیده‌اند.



آرامگاه شیخ صفی در شهر اردبیل با نقش چلیپا و چلیپای شکسته

«نگارۀ ۱۲۸»

۲۴ - ساختمان مسجد جامع اصفهان: مسجد جامع اصفهان بسیار قدیمی بوده و بنا به نظری به سده اول هجری می‌رسد و بر روی یک آتشکده باستانی پایه گذاری شده است. در سال ۲۲۶ هجری معتمد عباسی آن را نوسازی کرد و در زمان المقتدر بالله گسترش یافت.

مسجد دارای کتابخانه بزرگی بوده که در سال ۵۱۵ هجری باطنیان مسجد و کتابخانه را به آتش کشیدند. بار دیگر ملک‌شاه سلجوقی به تعمیر آن پرداخت. پس از وی سلطان محمد الجایتو و آنگاه دودمان صفوی ساختمانهایی بر آن افزودند. فتحعلیشاه قاجار نیز مسجد را تعمیر کرد.

شاه عباس می‌خواست از سنگهای مرمر مسجد جامع برای ساختمان مسجد شاه که مورد نظر او بود استفاده کند ولی از اینکار خودداری کرد و دستور داد تا سنگ مرمر مسجد جنوبی میدان نقش جهان را از اردستان بیاورند.

بر همه جای مسجد جامع نگاره‌های گوناگون و خوش ساخت از چلیپا می‌بینیم که به هنرنمایی هنرمندان کاشی‌ساز ارزش والائی داده است. دستهای پرتوان و هنرآفرین خداوندان هنر چنین نقشهای دلپذیری را آفریده‌اند که از دیدن آنها لذت می‌بریم. از اینرو می‌گوئیم: نیرومند باد دستهای هنرآفرین و سر سبز و خرم باد سرزمینی که این هنرمندان را پرورش می‌دهد.

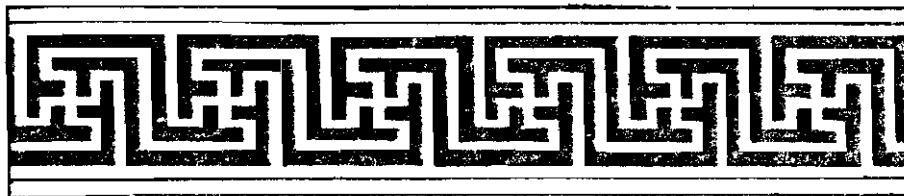
۲۵ - همانگونه که در جای جای این کراسه گفتیم این نشانواره از دیرینه‌ترین روزگار رنگ دینی داشته و مردم سرزمین‌ها، مفاهیم، اعتقاد و برداشتهای گوناگونی در باره آن داشته‌اند. اگر رنگ دینی نداشت و با روح مردم درنیامیخته و دمساز نشده بود در طول چندین هزار سال این چنین زنده و پاینده، گیرا و دلپسند نمی‌ماند و در معبد و مسجد و خانه و دروازه به کار نمی‌آمد. از شکست ساسانیان تا سده چهارم هجری، این نماد پویائی چندانی نداشته و از کاربرد آن جز در نزد مسیحیان آگاهی فراوانی نداریم، زیرا اندک به کار رفته است. اما رفته رفته از نو زندگی یافته و بار دیگر هنر و مذهب در آمیخته و پیکره‌ای که مایه مذهبی داشته و سخت در اعتقاد مردم جای گرفته و نمایانگر «جاودانگی» و «ابدیت» بوده است دوباره به خدمت مذهب در آمده و والاترین

سرچشمه آرایشی در هنر اسلامی شده است. بسازیکه با ساختن یک شبکه گسترده و پردامنه با نام «الله»، «محمد»، «علی» با انگاره (طرح) های دیگر گونه نماد یگانگی «وحدت» هم شده است. در همه مسجدها و جایگاههای اسلامی، به ویژه در بیشتر شهرها و روستاهای ایران، این نشانواره را بر آجرکاریها و کاشیکاریهای خوش رنگ مسجدها، امامزاده ها و آرامگاهها می توان دید. در این برگها چند نگاره زیبا با نویسه کوفی و چلیپا که از شاهکارهای هنری است دیده می شود.

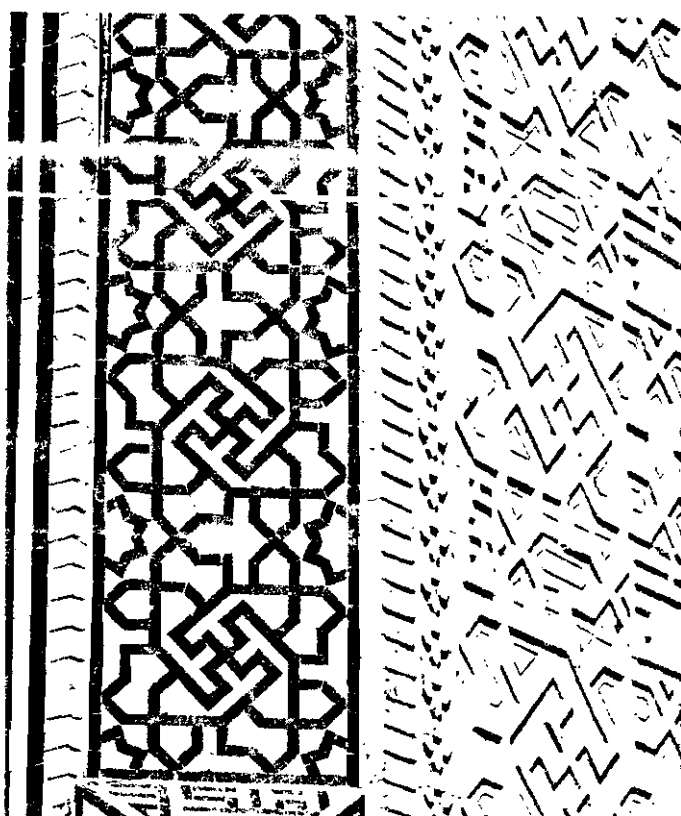


مسجد جمعه اصفهان، ایوان درویش، ایوان شمالی - در چهار گوشه «علی» و در میان چهار بار «الله» که چلیپای شکسته ساخته اند.

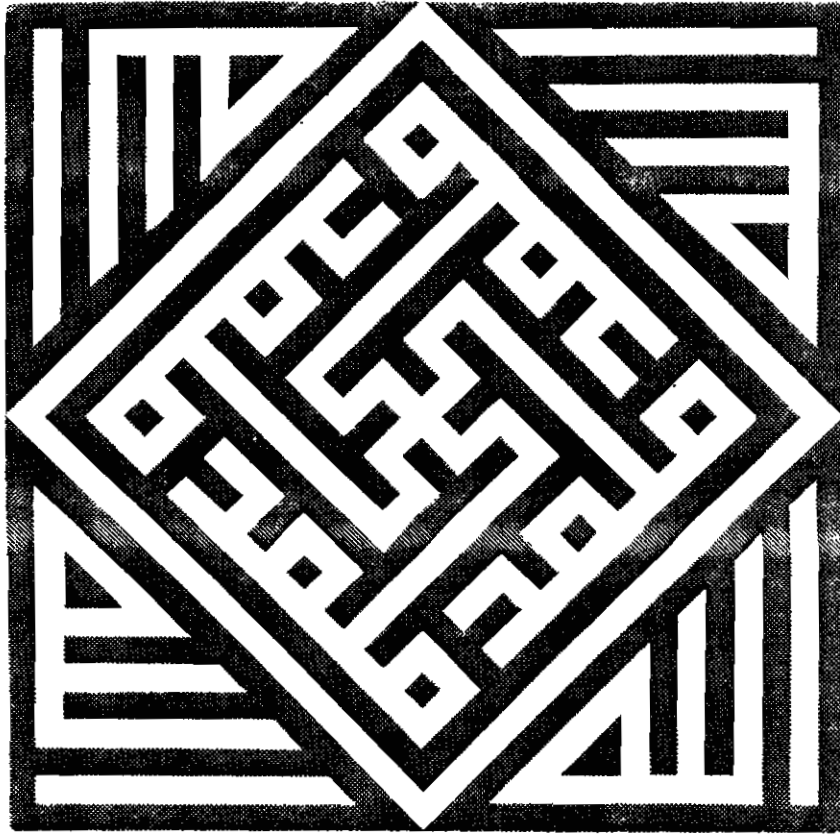
«نگاره ۱۲۹»



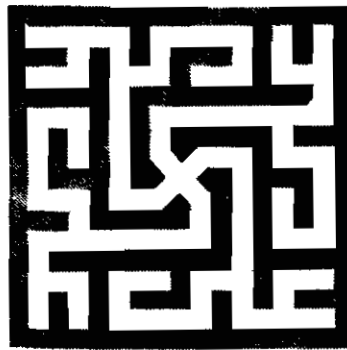
اصفهان: مسجد جامع ۱. تصویر سنجیده شود با نگاره‌های دژ یزدگرد ساسانی
«نگاره ۱۳۰»



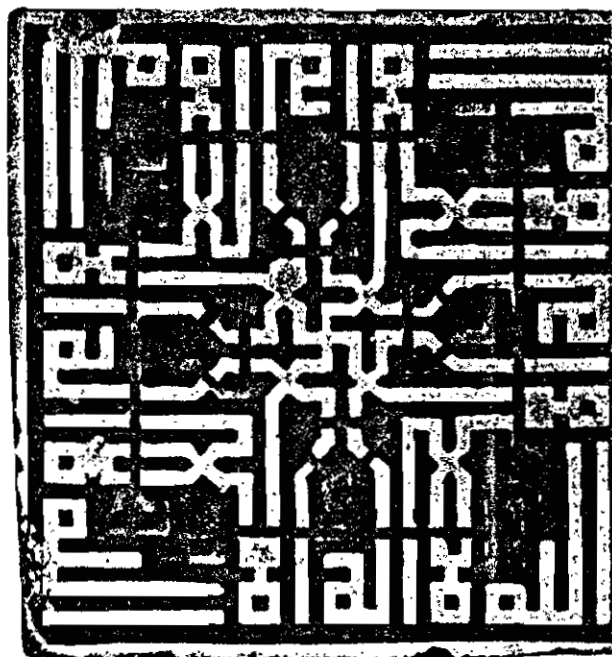
مسجد جامع اصفهان و نقش چلیبا «از کتاب طرح و اجرای نقش در کاشیکاری ایران»
«نگاره ۱۳۱»



اصفهان مسجد جمعه «جامع» ایوان درویش، واژه الله در چهار گوشه نگاره و در میان چهار بار نام محمد «ص» که چلیپای شکسته ساخته اند.

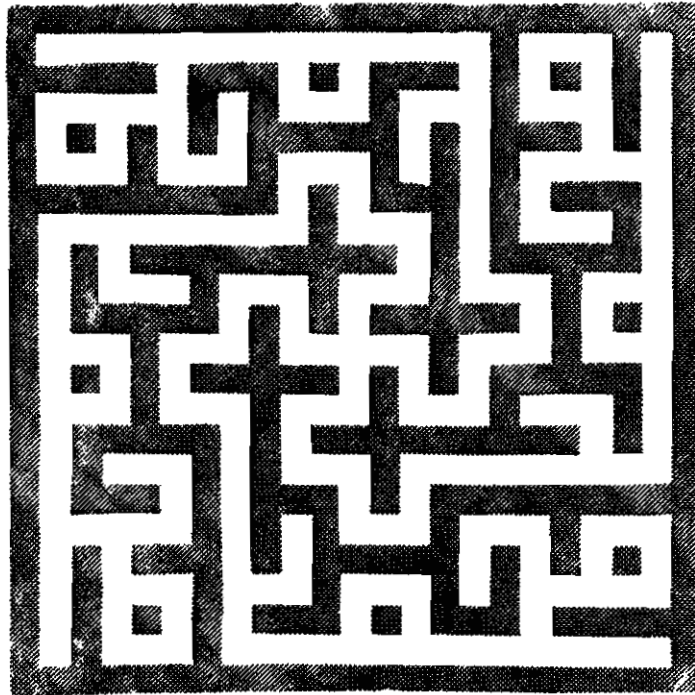


اصفهان، مسجد جمعه، ایوان استاد، واژه علی، چهار بار و در میان نگاره چلیپا.
«نگاره ۱۳۲»



در چهارپهلوی لاله الاله و در میان چلیپا
گویا این کاشی در مسجد شاه اصفهان بوده و امروز در شیکاگو می‌باشد.
«نگاره ۱۳۳»

۲۶- مسجد شاه «پیشین»: سلطان محمد پدر شاه عباس بزرگ در نظر داشت مسجد بزرگی در جنوب میدان نقش جهان بسازد لیکن این اندیشه و افتخار این ساختار بزرگ هنری به شاه عباس رسید، تاریخ عالم آرای عباسی این مسجد را مسجد جامع کبیر دارالسلطنه خوانده و می‌گوید: «اولاً در شهر مسجد جامع عالی واقع در جانب جنوبی میدان نقش جهان احداث فرموده‌اند.» در زیر بخشی از یک طرح با چلیپا در این مسجد دیده می‌شود.



اصفهان، مسجد امام «شاه پیشین»
«نگاره ۱۳۴» ۱

واژه «محمد» چهار بار به رنگ سفید در کنار نگاره آمده. بخش سیاه رنگ چهار چلیپای ساده و شاخه‌های آنها یک چلیپای شکسته به رنگ سفید ساخته‌اند. ۲۷ - در صحن عباسی آرامگاه امام هشتم شیعه نگاره زیر که از واژه «علی» درست شده است دیده می‌شود که می‌توان آن را با نگاره ساسانی و نگاره مسجد نائین سنجید.



در این نقش دو بار نام علی با خط سیاه و سفید آمده و سر حرف «ع» نقش ساسانی را نمودار می‌سازد.

۱ - نگاره‌های ۱۲۹ و ۱۳۲ و ۱۳۴ از کتاب: خط کوفی معقلی در مساجد باستانی اصفهان، عبدالله قوجانی، تهران، ۱۳۶۴ نشر اندیشه اسلامی می‌باشد.

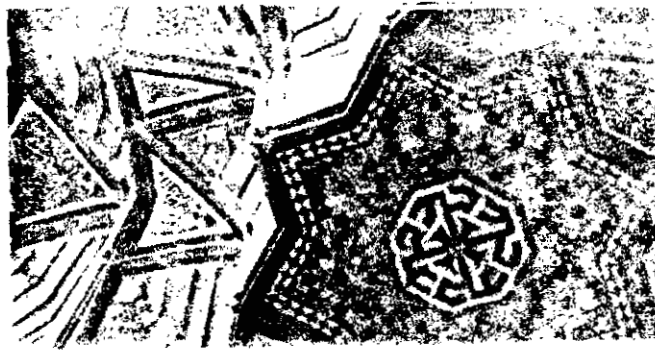
مشهد صحن عباسی
از کتاب
طرح و اجرای نقش در کاشیکاری ایران
«نگاره ۱۳۵»



۲۸- بر دیوار آرامگاه سرسلسله سادات مرعشی در مازندران نقش چلیپای شکسته وجود دارد. این ساختمان از زمان شاه عباس یکم و تاریخ ۱۰۳۳ هجری روی صندوق چوبی آرامگاه کتده شده است.

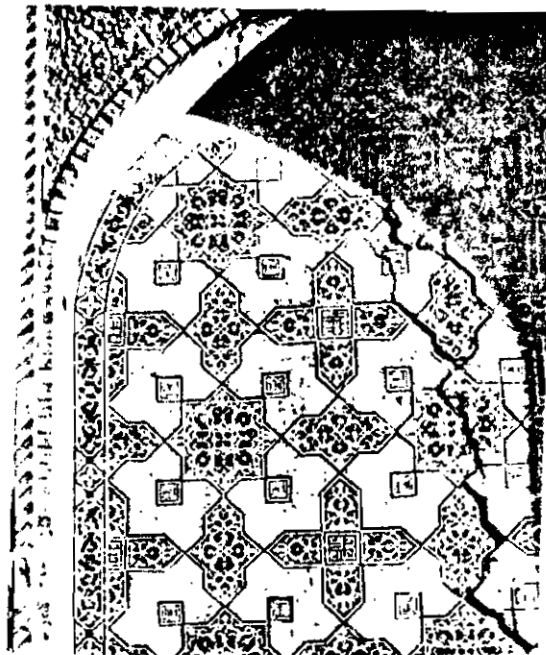
۲۹- مدرسه کاسه گران: این مدرسه در زمان شاه سلیمان صفوی به سال ۱۰۹۶ هجری با هزینه و به وسیله حکیم الملک اردستانی ساخته شده و دانشجویان علوم دینی اردستان در آن به تحصیل می پرداختند و هنوز هم این مدرسه از رونق برخوردار است.

نمونه شایان دقت و هنرمندانه چلیپا در میان کاشیکاری در پیکره زیر نمایان است. در پیرامون این چلیپا چهار بار واژه «علی» چلیپای دیگری ساخته که خود نمونه ذوق و هنر سرشار ایرانی است.



«نگاره ۱۳۶» مدرسه کاسه گران

۳۰- مسجد علی از بناهای صفوی است که در پای مناره‌ای از زمان سلجوقیان در اصفهان ساخته شده است. کتیبه سردر آن به نام شاه اسماعیل اول صفوی بوده و دارای کاشیکاری زیبایی است. پاره‌ای آن را به سلطان سنجر و گروهی آن را به علی‌شاه پسر تکش خوارزمشاه نسبت می‌دهند. شاردن از آن به نام مسجد سنجریه نام برده است. بر نمای رو به خیابان این مسجد نگاره‌های چلیپا نظر روندگان را به سوی خود می‌کشد.



«نگاره ۱۳۷» مسجد علی

۳۱- شاه سلطان حسین صفوی از سال ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ هجری برابر با ۱۶۹۳ تا ۱۷۲۲ میلادی، سی سال که زمان ارزنده‌ای برای آبادانی و پیشرفت کشور و آسایش همگانی بوده است در ایران پادشاهی کرد.

نام این پادشاه در میان مردم نشانگر: ناتوانی، سستی، ناشایستگی و گسیختگی رشته سیاست و کشورداری است. لیکن وی مردی پارسا و پرهیزکار و هم کژاندیش و خرافاتی بود. با تسبیح و دلق بیشتر پیوند داشت تا با تاج و تخت.

در سال ۱۱۱۸ هجری (۱۷۰۶ - میلادی) به فرمان او در کنار خیابان چهارباغ مدرسه‌ای برای دانشجویان علوم دینی ساخته شد که از شاهکارهای معماری دوران صفوی است. این مدرسه به نام مدرسه چهارباغ، مدرسه سلطانی یا مدرسه مادر شاه خوانده می‌شود. ۱۰ گرداگرد این مدرسه اتاقهایی برای دانشجویان ساخته‌اند که هنوز هم پاره‌ای از دانشجویان در آن زندگی می‌کنند.


کاشیکاری زیبا و دلنشین، گل کاری و درختان کهنسال و تنومند چنار و جوی آب فرشادی که از اینجا می‌گذرد، بر روی هم جانی دلپذیر و با صفا پدید آورده که هم دیدنی است و هم خستگان و رهگذران را آرامش می‌بخشد و خستگی را با نشستن در رواقها از تن به در می‌کند.

هنوز هم در این رواقها حلقه‌های درس برپا می‌شود و طلبه‌ها گرد معلم می‌نشینند و به پژوهش و گفتگو می‌پردازند. که جستجوی دانش خود جهانی دیگر است.

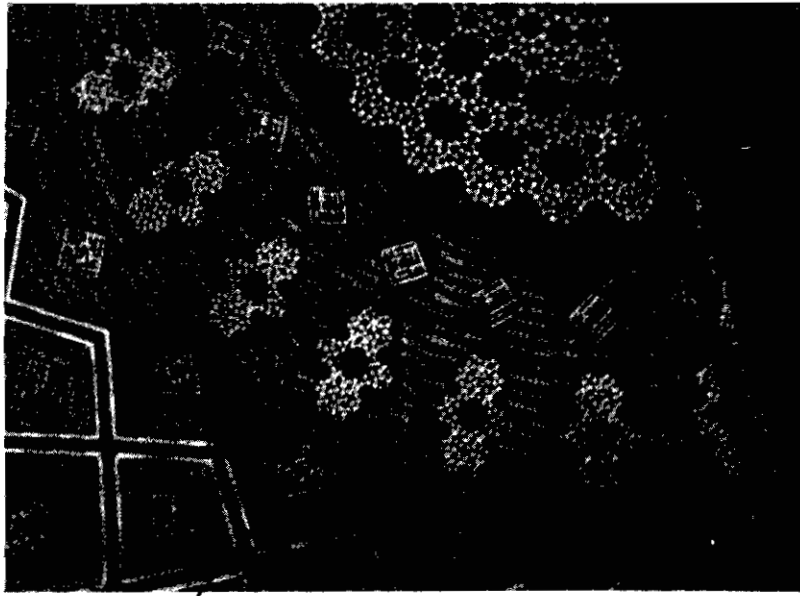
در این مدرسه باشکوه در چندین جا نگاره چلیپا خودنمایی می‌کند.

الف: بر سقف راهروی ورودی مدرسه با نوشتن نام «علی» چلیپایی بدینگونه

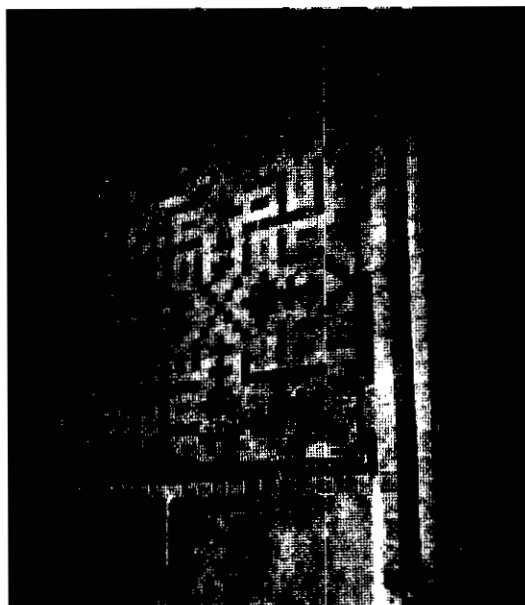
پدید آورده‌اند:



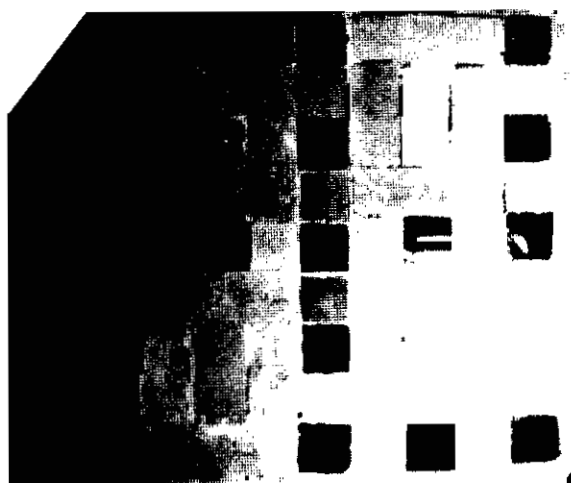
ب: در راهروهای ایوان خاوری مدرسه که جوی آب از زیر آن می‌گذرد (روبروی در ورودی) با کاشی‌های کوچک گروهی چلیپای شکسته. تاق و بدنه دیوار را پوشانده است.
این کاشی‌ها چهار گوش و یک در میان به رنگ آبی و سیاه می‌باشد.



بخشی از سقف راهروی ورودی مدرسه چهارباغ
«نگاره ۱۳۸»



بخشی از ایوان خاوری مدرسه چهارباغ یکی از چلیپاها در درون دایره نمایانده شده است.



چلیپای درون دایره بزرگ شده تا بهتر نمایان گردد. چهار گوشهای کوچک که بر روی هم چلیپای شکسته را می سازند به رنگهای سیاه و آبی هستند.
«نگاره ۱۳۹»

پ: هنگامیکه از خیابان چهارباغ به درون مدرسه می‌آئیم در سوی چپ انتهای دیوار شمال غربی، اتاق یا حجره‌ای است که آرایش آن نیز اندکی بهتر از اتاقهای دیگر است، این اتاق نشیمن گاه سلطان حسین بوده. وی گاهی برای سرکشی به طلبه‌ها و زندگانی آنان و بررسی پاره‌ای دستوره‌ای دینی به مدرسه می‌آمده، در آن اتاق می‌نشسته و به «بحث و مذاکره» یا خواندن دعا و نیایش می‌پرداخته است.

در این اتاق زیلوی بزرگی است که رویه آن با نماد چلیپای شکسته و چلیپا در درون چهار گوشها آراسته شده و سراسر رویه فرش پر است از چلیپا، یک رشته چلیپای راست گرد و رشته‌ای دیگر چلیپای چپ گرد. در کناره زیلو شعر زیر بافته شده است.

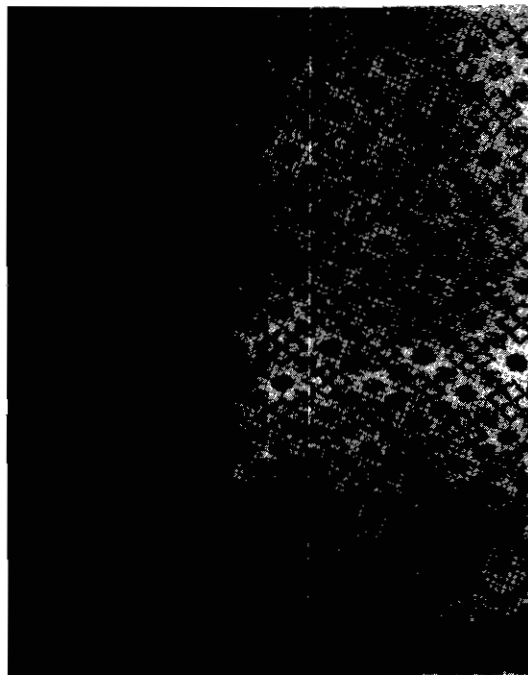
فرش این مدرسه که روح فراست وقف نواب اشرف اعلاست

(سال ۱۱۱۸ هجری قمری)

این تاریخ را که سیزده سال پس از رسیدن او به پادشاهی می‌باشد باید تاریخ بافته شدن زیلو و سپردن آن به مدرسه دانست.

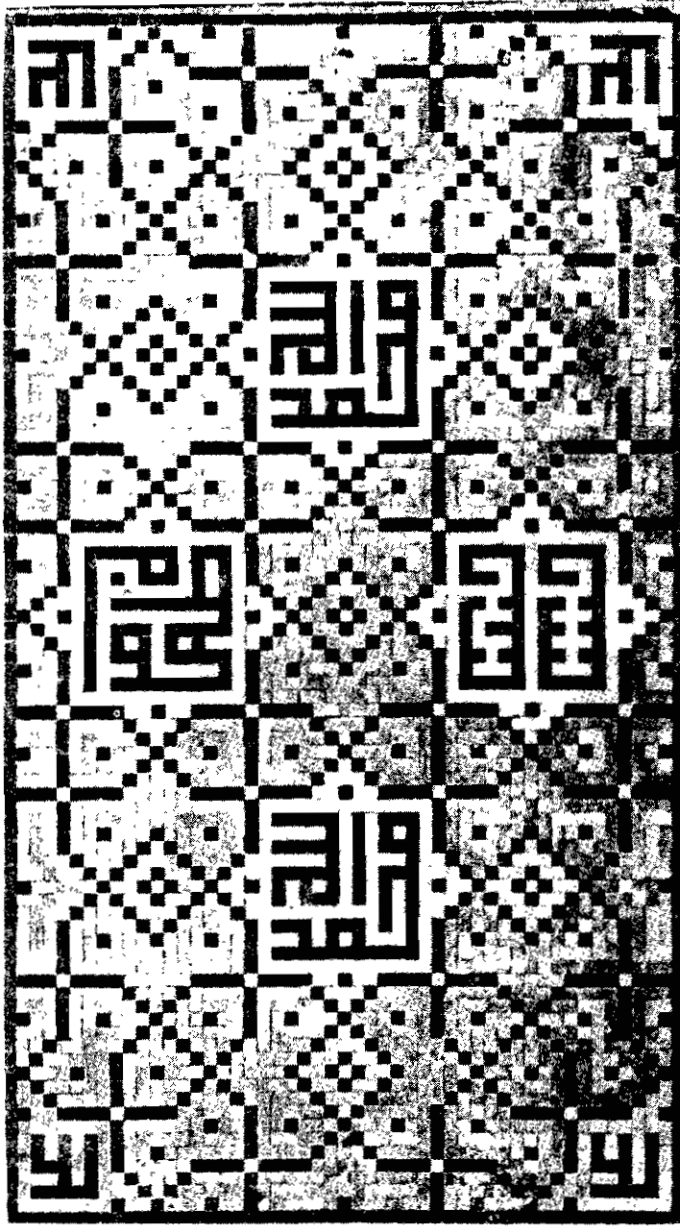
چون نشان چلیپا در نزد برخی از مردم جهان، دور کننده چشم زخم، گریزاننده اهریمنان و «ارواح خبیث» و از سونوی بهبودی بخشنده بیماران. به ویژه جن زدهگان «بیماران روانی» و شادی و خوشبختی آور و نماد زندگی جاوید و نیرو و افزونی نیز بوده است، باید چنان باور داشت، این سلطان که به کناره جوئی و گوشه گیری و «سعد و نحس کواکب» و اینگونه کارهای دور از دین و دانش دل بستگی داشته و روز و شب خود را به جای پرداختن به سازماندهی و سیاست کشورداری، در میان مشتی «رمال و جن گیر و دعانویس» و زنان درباری می‌گذرانده است، دستور بافتن زیلو را با این نگاره داده، تا هنگامیکه بر روی آن می‌نشینند از هر گونه آسیب و گزند آشکار و پنهان ایمن باشد. به گفتار مردم آن زمان از (بلایای ارضی و سماوی مصون و محفوظ گردد).

یا رسیدن به نیک فرجامی و فروغ و شادمانی منظور و هدف او بوده است.



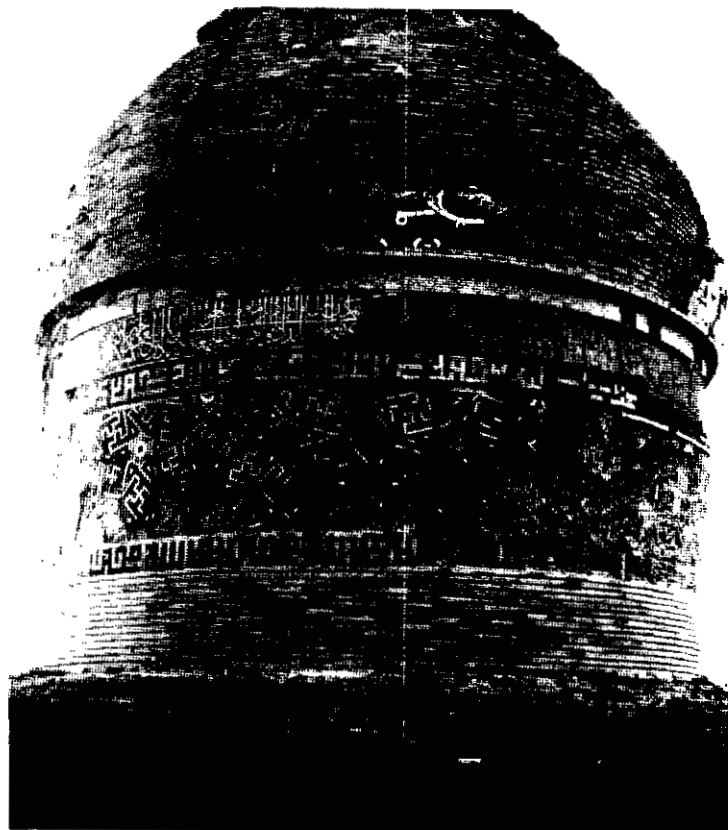
زیلو در یکی از اتاقهای مدرسه چهارباغ اصفهان ویژه شاه سلطان حسین صفوی
 «نگاره ۱۴۰»

۳۲- در برگهای پیشین از کاشی‌های ستاره‌ای و چلیپای جایگاه‌های مذهبی شهر قم یاد کردیم. اینک بار دیگر راهی آن شهر شده و به آرامگاه حضرت معصومه (ع) سری می‌زنیم. در صحن عتیق نگاره‌های چلیپا بر کاشیکاری درخشان نظر ما را جلب می‌کند. در فاصله میان هر چند چلیپا نام «فاطمه»، «الله - محمد» و بر چهار گوشه «علی» به خوبی نمایان است.



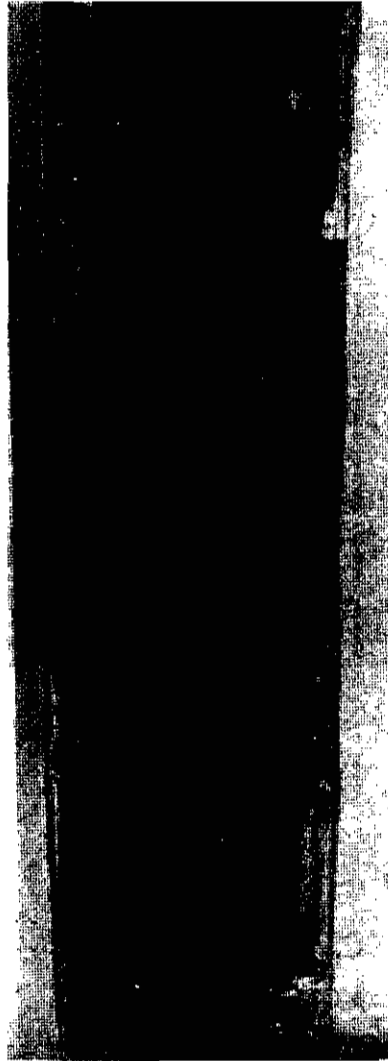
پیکره از کتاب طرح و اجرا در کاشیکاری ایران
«نگاره ۱۴۱»

۳۳- در بیست کیلومتری خاور شهرستان قم در روستای قاسم آباد آرامگاه سکینه خاتون دختری از نوادگان امام کاظم (ع) قرار دارد. بر کاشیکاری کمر بند گنبد که فرو ریخته نگاره چلیپا دیده می‌شود. این نگاره‌ها با نگاره‌هایی که در برگهای پیشین آمده درخور نگرش و سنجش است. چگونگی قرار گرفتن چلیپاها نشان می‌دهد که رویه کمر بند گنبد از یک شبکه گسترده این نقش پوشیده بوده است، که رفته رفته رو به ویرانی نهاده.



آرامگاه سکینه خاتون و پیکره چلیپای شکسته
«نگاره ۱۴۲»

۳۴- در بیست و چهار کیلومتری جنوب شرقی شهرستان قم آرامگاه دیگری به نام شاهزاده ابراهیم جای گرفته که بر در آرامگاه و نیز بر یک تخته مثبت کاری نگاره‌هایی از چلیپا و چلیپای شکسته به گونه برجسته دیده می‌شود.^۱



تخته مثبت کاری در آرامگاهی در نزدیکی قم (شاهزاده ابراهیم) با بیکره +
«نگاره ۱۴۳»

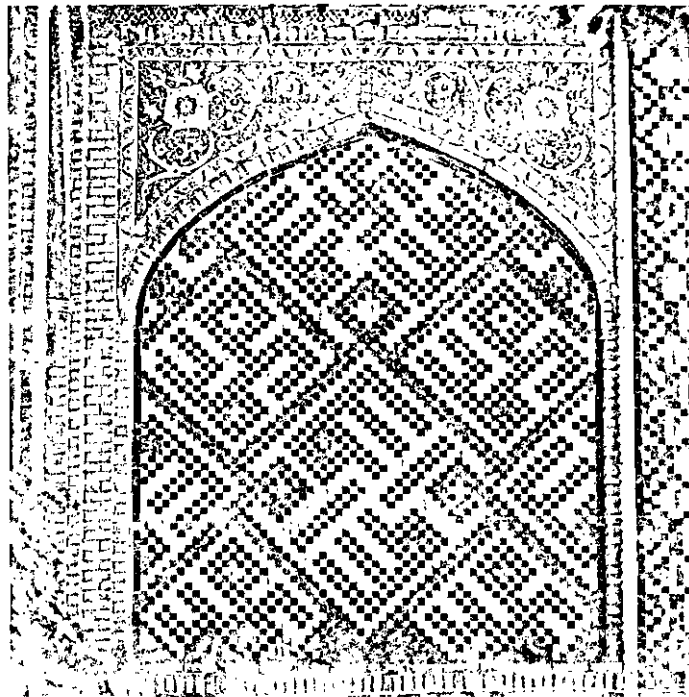
۱- این آگاهی و نیز بیکره‌ها را یکی از روحانیان داده‌اند که نام ایشان را از یاد برده‌ام.



دَرِ آرامگاهی در نزدیکی قم (شاهزاده ابراهیم)
«نگاره ۱۴۴»

۳۵- بر کاشیکاری مدرسه سردار در شهر قزوین نقش چلیپای شکسته نیز دیده می‌شود. این مدرسه در کوی دیمج واقع شده و از مدرسه‌های علوم دینی است. درازای آن ۶۰ و پهنای آن ۴۰ ذرع است. ساختمان مدرسه دو اشکوبه و کاشیهای رنگین شکوه و زیبایی فزاینده‌ای به آن داده است. در جنوب مدرسه سردار، مسجد و روبروی مدرسه آب انباری است که هر سه را دو برادر به نام حسین خان و حسن خان از سرداران بلندپایه ایران در جنگهای ایران و روس و جنگهای عثمانی در زمان فتحعلی شاه ساخته‌اند.

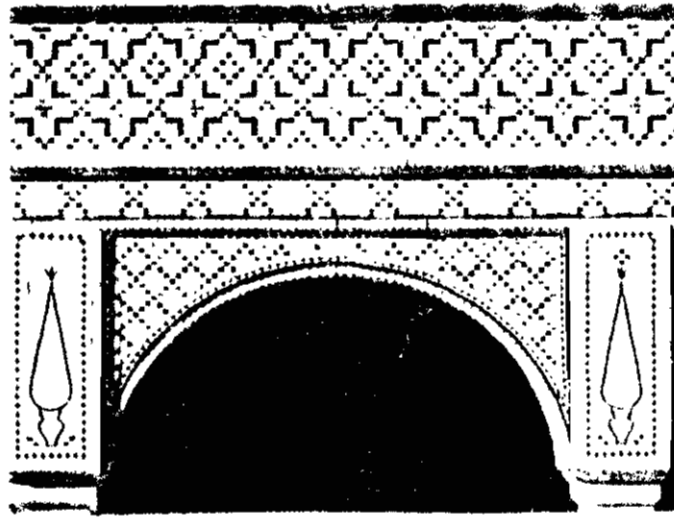
تاریخ ساختمان مدرسه بنا به گواهی این شعر:
رقم زد از پی سال عمارتش خازن اساس کعبه دین گشت زین بنا محکم
سال ۱۲۳۱ هجری است. ۱.



«نگاره ۱۴۵» مدرسه سردار

بر کاشیکاری ساختمان تکیه مدیرالملک در شهر کرمان نیز چلیپا به
دو گونه دیده می‌شود.

۱ - نگاره از کتاب طرح و اجرای نقش در کاشیکاری ایران.
برای آگاهی بیشتر در باره مدرسه سردار به کتاب مینودر، سید محمدعلی گلرینز، انتشارات طه، چاپ سال
۱۳۶۸ خورشیدی نگاه کنید.

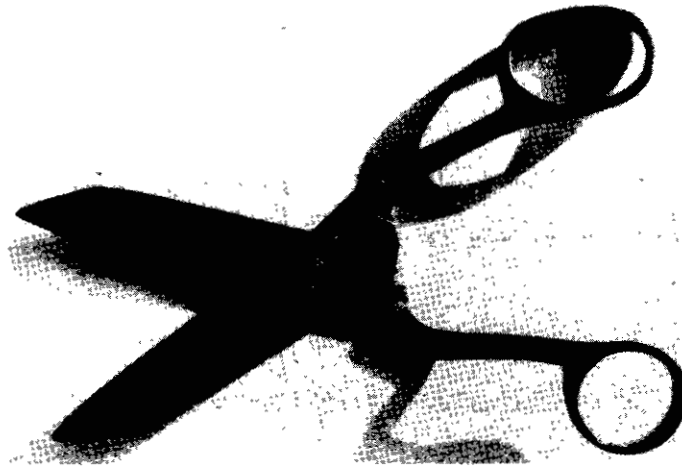


«نگاره ۱۴۶» تکیه مدیرالملک در کرمان

۳۶- به هنگامیکه سرگرم آماده کردن این جستار و پژوهش بودم، سرکار سرهنگ بابا مقدم با دیدن این نماد و فرتورهای آن، به یاد آوردند که از دوران کودکی یک قیچی باغبانی در خانه خود دارند که بر روی آن نگاره گردونه مهر یا چلیپای شکسته کنده شده است.

از ایشان خواستم تا قیچی را برای گرفتن فرتور به من واگذارند. این کار انجام و قیچی بدارنده آن بازگردانده شد. تاریخ و جای ساخت قیچی روشن نیست، اما بیش از هفتاد سال است که از آن در کارهای سبک باغبانی بهره جوئی می شود. اگر درست بنگریم نوک تیز خمیدگیها سوی چرخش را وارونه حرکت ساعت نشان می دهد.

۱- تاریخ یاد شده در باره قیچی مربوط به چند سال پیش از چاپ کتاب می باشد.



«نگاره ۱۴۷» قیچی

۳۷- بر آسمانه تالار بزرگ ساختمان ایستگاه راه آهن تهران که در سال ۱۳۱۴-۱۵ خورشیدی ساخته شده است، نگاره زیبای چلیپا با کشه‌های بلند به گونه پیوسته که شبکه بزرگی را پدید آورده است جلوه‌گری می‌کند و چشم و دل بینندگان آگاه را به سوی خود می‌کشد.

۳۸- بر پایه آگاهی روزنامه کیهان، ۱ هنگام خاک برداری در کوی شاه آباد تبریز برای کابل کشی، پنج تخته سنگ پدیدار شده که روی آنها به زبان ارمنی نوشته‌هایی بود. سنگها به موزه تبریز برده شد. خلیفه دیر «ایر پانوسیان» در تبریز آنها را خواند. روشن شد که اینها سنگ گورهای است از کسانی به تاریخ‌های ۸۱۲ و ۹۱۵ میلادی... یکی از نوشته‌ها چنین است:

«این سنگ متعلق به قبر عیال گاسپار یغیاری به تاریخ ۱۱۴۰، روح

۱- روزنامه کیهان شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۵۲ خورشیدی، شماره ۹۰۵۱. هشتم سپتامبر ۱۹۷۳ میلادی.

خدمتگزار مسیح است.»

بر روی دو تخته سنگ دیگر «نقش گردونه خورشید که به معنای ابدیت است دیده می‌شود» و بر روی سنگ پنجم، نقش مهرباب «مهرباب» اسلامی کنده شده است.

۳۹- در اینجا به گزارش نگاره‌ای که از روایات اسلامی سرچشمه گرفته می‌پردازیم. این روایات درباره سیر پیامبر از مکه تا بیت المقدس و «معراج» بالا رفتن به آسمان است.

ما با این کار نداریم که سیر و معراج با جسم بوده یا روحانی. با این هم کار نداریم که گروهی سیر را تنی و معراج را روحی می‌دانند. هر دو بیرون از گفتارهای این کتاب است.

روایات می‌گویند پیغمبر بزرگوار اسلام بر براق سوار شد و شب به معراج رفت. در نگارگریهای دینی در جاهای گوناگون کشور به ویژه آنچه در شمال سرزمین ما است، براق تنه اسب، دم طاووس، سر انسان، بال فرشته و کلاه ایرانی بر سر دارد. در پاره‌ای نگاره‌ها، سُم‌های براق نیز دارای پر هستند. مانند نگاره بقعه باباولی در دیلمان. سر انسان چهره زنی است با ابروان پیوسته، چشمهای درشت و سیاه، گیسوی بلند و افشان بر پشت گردن با دوره گردنبند ۱. آنچه از دید ما ارزشمند می‌باشد، آن است که در پاره‌ای از این پیکره‌ها بر پیشانی براق چلیپا (+) نقش شده است.

۱- این چگونگی یادآور پرواز گارودا Garuda که برابر ادبیات دینی هند ویشنورا به آسمان می‌برد، می‌باشد. گارودا نیز با چهره‌ای زنانه تاجی بر سر، گردنبند بر گردن و جنگال عقاب دارد. براق تنه اسب، ولی گارودا دارای اندام عقاب یا شاهین می‌باشد.



چهره بزرگ شده براق
«نگاره ۱۴۸»



«نگاره ۱۴۹» براق ۱



نگاره براق که مسلمانان هند از آن به گونه آرایه در خانه‌ها
و از آغاز ماه محرم در سوگواریها به کار می‌برند

۱ - فرتور از کتاب نان جو، دوغ گو: دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی. دنیای کتاب، ۱۳۶۲.

یادمانهای اسلامی بیرون از مرزهای کنونی

در یادمان‌های اسلامی، بیرون از مرزهای سیاسی ایران کنونی و درون در گستره فرهنگی ایران نیز چنین نشانه‌هایی در پرستشگاهها و جاهای مقدس دیگر که نمایانگر رنگ دینی چلیپا است، کم و بیش یافت می‌شود.

۴۱ - درآنو ANAU نزدیک عشق آباد «اشک آباد» و مرز ایران و کشور جماهیر شوروی که امروز در خاک شوروی است، آثاری از جمله چلیپا «خاج» به دست آمده است. اثر هنر آنو در چند زیستگاه در ترکستان مانند: «آفاق تپه» و «نماز گاه تپه» دیده شده است.

کهن ترین سفال آنو با سفال طبقه دوم سیلک، تپه حصار دامغان، سیستان و کوئته پاکستان همانندی دارد. ۱۰ یافته‌های آنو از ۳۴۰۰ تا ۲۹۰۰ سال پیش می‌باشد. سده‌ها پیش از زادروز عیسی.

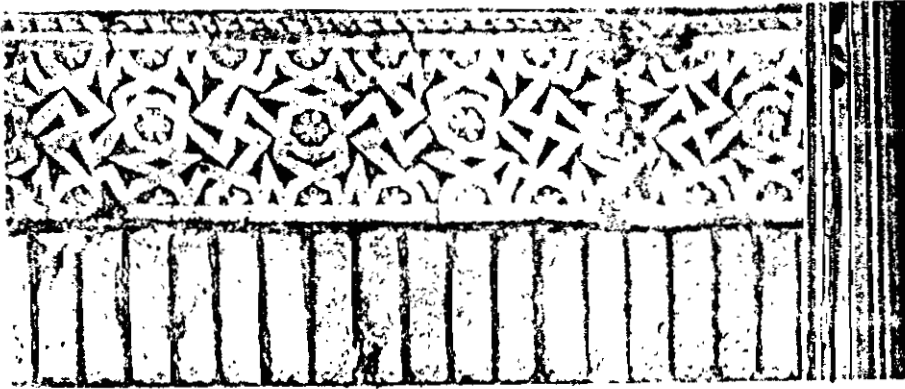


«نگاره ۱۵۰» چلیپا درآنو

۴۲ - در اوزگند سرزمین خوارزم دو گورستان به نام مقبره شمالی (سال

۱ - باستان‌شناسی ایران، لوئی وان‌دنبورگ، ترجمه دکتر عیسی بهنام

۱۱۵۲ میلادی) و مقبره جنوبی (سال ۱۱۸۶ میلادی) وجود دارد که هنرمندی و ریزه کاری شایسته‌ای در آرایش سردر آنها به کار برده شده است. در مقبره جنوبی نقشهای گل و بوته و چلیپا همانند نگاره زیر دیده می‌شود.



«نگاره ۱۵۱» مقبره جنوبی



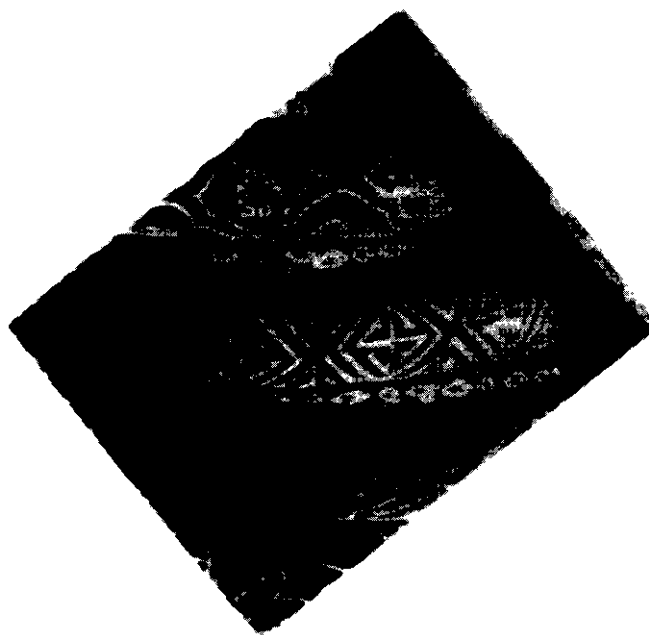
آرامگاه یوسف فرزند قصیر در نخجوان
«نگاره ۱۵۲»

۴۳ - آرامگاه یوسف بن قصیر در نخجوان که به دست معماری به نام عجمی ابن ابوبکر در سالهای ۵۵۵ تا ۵۵۶ هجری «۱۱۶۱-۱۱۶۲ میلادی» ساخته شده است دارای انگاره هشت پهلونی است که از آجر بالا رفته و گنبدی دوکی (مخروطی) بر فراز آن می‌باشد. نمای پهلوه‌ای بیرونی با نگاره‌هایی آجرین آراسته شده. در دو سوی سردر که نگاره‌های آجری نیز دارد در سرتاسر بلندی

دیوار، نشانه چلیپا با هشت آجر نمایانده شده است. ۱.

۴۴ - بر سردر مدرسه الغ بیگ در شهر سمرقند (« ۱۴۲۰ میلادی») نگاره چلیپا به گونه ساده «+ +» و شکسته، و نیز در مقبره هشت پهلوی در ساختمانهای «شاه زنده چلیپائی دیده می شود که با نگاره گورستان جام که در برگ ۲۴۸ گزارش شده همانندی دارد.

شاه زنده یکرشته ساختمانهایی است در دامنه کوه از دوره تیمور که آرامگاه ویژه خاندان و سرداران وی می باشد.



سردر مدرسه الغ بیگ
«نگاره ۱۵۳»



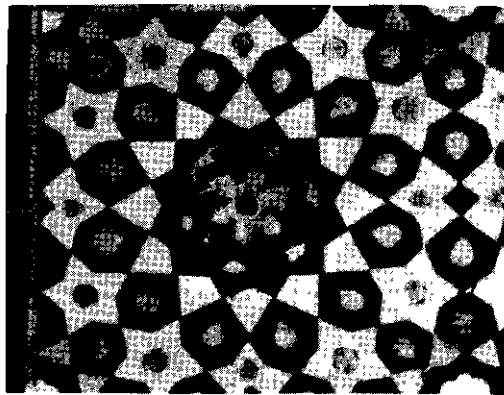
سمرقند شاهزنده



شاهزنده مقبره هشت پهلو

«نگاره ۱۵۴» ۱

۴۵- در شهر بخارا در مدرسه میر عرب «۱۵۳۶-۱۵۳۵» که در زمان فرمانروائی شیبانیان با هزینه شیخ عبدالله یمنی نامبردار به میر عرب ساخته شده است، چلیپای شکسته راست گرد و چپ گرد هر دو زینت بخش دیوارها است. این نگاره با نگاره ۱۱۵ مسجد جامع کرمان همانندی دارد.



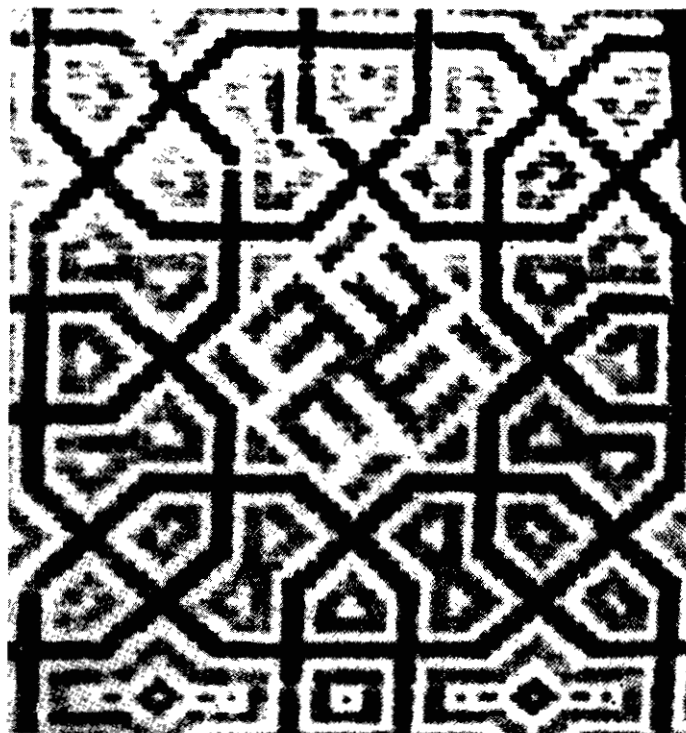
«نگاره ۱۵۵» مدرسه میر عرب

۱- نگاره‌ها از کتاب ابنیه و آثار تاریخی اسلام در شوروی

۴۶ - در سالهای ۱۰۷۰ تا ۱۰۸۴ هجری قمری (۱۶۴۶ - ۱۶۶۰ میلادی) در سمرقند مدرسه‌ای به نام مدرسه طلا کاری ساخته شده است. در روی بدنه بیرونی کمریند استوانه‌ای گنبد این کانون دینی، چلیپا بدینگونه:



بر روی کاشیکاریها دیده می‌شود. با نگرش به خط‌های روبروی هر شاخه چلیپا چهار بار واژه «الله» به یکدیگر پیوند خورده و پیکره زیبایی را پدیدار ساخته است. این پیکره با دو تکه سفال تپه سیلک و بکون سنجیده شود.



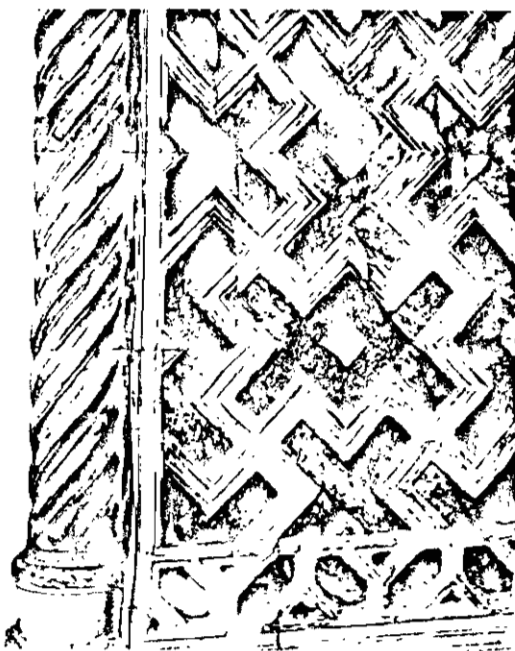
بدنه بیرونی مدرسه طلا کاری در سمرقند
«نگاره ۱۵۶»



سفال تپه بکون هزاره چهارم پیش از میلاد

«نگاره ۱۵۷»

۴۷ - در کشور ترکیه، شهر قونیه مدرسه‌ای است با شیوه معماری اسلامی به نام کاراتای، در دو سوی در این مدرسه شبکه‌ای از نگاره چلیپای شکسته، زیبایی و آرایشی ویژه به این ساختمان داده. می‌دانیم در کشور همسایه ما که روزگاری خلافت اسلامی را در دست داشت یادمانهای اسلامی فراوان است و این یادمانها از نقش چلیپا بی بهره نیست. برای گرفتن آگاهی در این زمینه‌ها یکبار به سفارت ترکیه رفتم و نتوانستم وابسته فرهنگی آن کشور را به بینم و کارمندی که پاسخگوی من بود، گفت هیچگونه کتاب و اطلاعی ما از آثار باستانی نداریم. هر چه می‌خواهید از سازمان جهانگردی ترکیه بخواهید.

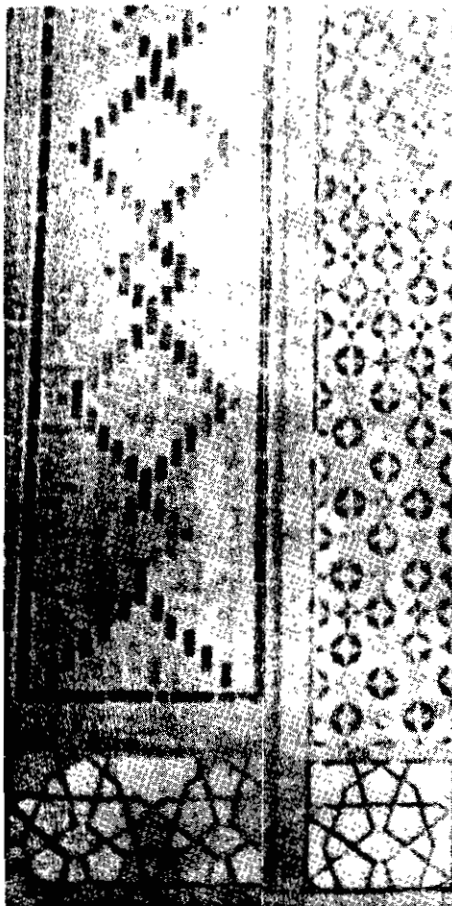


شبكة چلیپا بر دو سوی در مدرسة کاراتای
(بزرگ شده)



در ورودی مدرسة کاراتای در ترکیه
«نگاره ۱۵۸»

۴۸ - در کشور افغانستان در شهر هرات بر کاشیکاریهای آرامگاه خواجه عبدالله انصاری و در شهر بلخ در «زیارتگاه» و نیز در کشور پاکستان در مسجد شاه جهان شهر «تته» پیکره چلیپای ساده فراوان به کار رفته است.



افغانستان: آرامگاه خواجه عبدالله انصاری و چلیپا

«نگاره ۱۵۹»

بجس ششم
حلیا در روزگار ما

نگاهی به دست بافت ما

صلیب نرخی

چلیا نمودار خورشید یعنی رستاخیز

دروازه دولت تهران

چلیا نادوی بابر و اشتهامی کوناگون

نگاهی به دست‌بافت‌ها

هنر فرش‌بافی ایران که روزگاری دراز را پشت سر گذاشته و راه‌رسانی را پیموده است، به ویژه پاره‌ای قالی و قالیچه‌ها دارای نگاره‌های دیدنی و گیرای گردونه مهر است.

در درازای زمان از تکتۀ فرش اشکانی که در گرمی مغان به دست آمده تا فرش بهارستان که کاخ تیسبون را می‌آراسته و از آن گاه تا روزگار ما، این نگاره‌ها به ویژه چلیپا نماد مهر و چرخ کائنات دگرگونی‌هائی را بنا به ذوق هنرمندان و خواسته‌های زمان پذیرفته ولی هیچگاه از تبار باستانی خود، چه پیش از تاریخ و چه پس از آن دور نشده است. پس از گذشتن هفت هزار سال، هنوز در هنر دوره اسلامی نگاره چلیپا با همان برازندگی و زیبایی خودنمایی می‌کند.

این نگاره نه تنها، تک کاربرد داشته است بلکه دامنه گسترده‌تری نیز یافته و در همه سوها زنجیروار در پهنه‌های بزرگی به کار رفته، و در مسجد و معبد و نیز در قالی و گلیم یک مجموعه هماهنگ و شورانگیز آفریده است. در این آفرینش‌های هنری پیکره‌های دوگانه چلیپا و برهم نهاده آن به چهره گل و بوته و نام رهبران دینی، تا پدیده‌های زنده و گیرنده دیگری نمودار می‌گردد.

در این شبکه هنری، نه هنرمند و نه سازنده و بافنده هیچیک از فلسفه پیدایش این نگاره و عقاید گذشتگان در باره آن آگاهی ندارند. اما ناخودآگاه به فرمان خون و سرشت به دنبال آن می‌روند و آنچه را که ذره‌ذره ساختار هستی‌شان خواستار است از پنهانگاه ضمیر و پنهانگاه سر بیرون آورده و آشکارا در دیدگاه ما می‌گذارند. و ما این پدیده رازآمیز را که بیش از هر «نقشی» با

زندگان زندگی کرده است، بر تالار مسجدها، بر بلندای گنبد‌های فیروزه گون و گلدسته‌های سر برافراشته می‌بینیم. این است آن پیوند ناگسستنی که این نگاره با گذشته دارد و هنرمند ناخودآگاه آن را «تجسم» می‌بخشد.

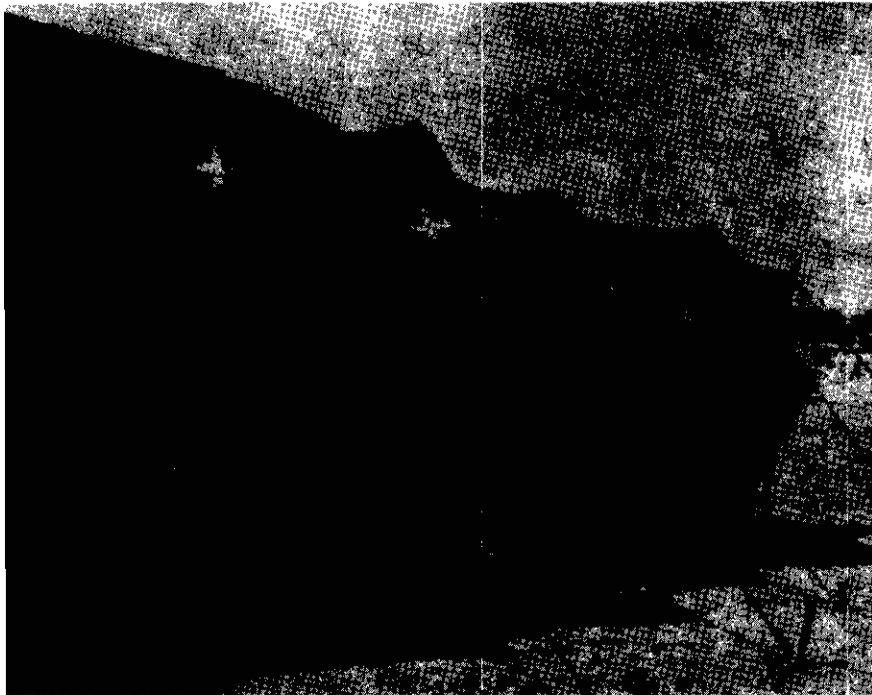
هستی که همه نمودهایش پوینده و گذرنده است، در پویندگی خود، به چهره زایش و میرش، پیوست و گسست در می‌آید، ولی این نماد پدیده‌های هستی، نمود چرخ گردنده، زروان بی‌کران، چلیپای فلک، راز خوشبختی و کامیابی، صلیب حیات، به واژگونه خود هستی، از میرش و گسست به دور بوده، بست و پیوست و گسترش داشته است.

نقش کردن چلیپا با خمیر بر سیاه چادر زن تازه‌زا در طایفه کورکی، و نیز نقش نمودن آن همراه با چهارخال «که تازگی ندارد» با کشک ساک نو بر پلاس همراه با چوپان و سگش و چوبش در ایل افشار^۱ و جاهای دیگر و نیز بر گلیم‌ها و خورجین‌ها که چهره زینتی دارد، بسانی که خود در ایل چهارلنگ بختیاری و تیره‌هایی از عشایر فارس دیده‌ام و همچنین نگاردن آن بر روی تخم مرغهای تازه‌ای که می‌خواهند برای جوجه کشی زیر مرغ بگذارند و نیز بر گرده قوچ‌ها. همه و همه نشانه‌ای از اعتقاد نهفته و پنهان در ضمیر انسان به نیروی باروری، زاینده‌گی و پابندگی این نماد و داشتن قدرتی برای راندن نیروهای اهریمنی است.

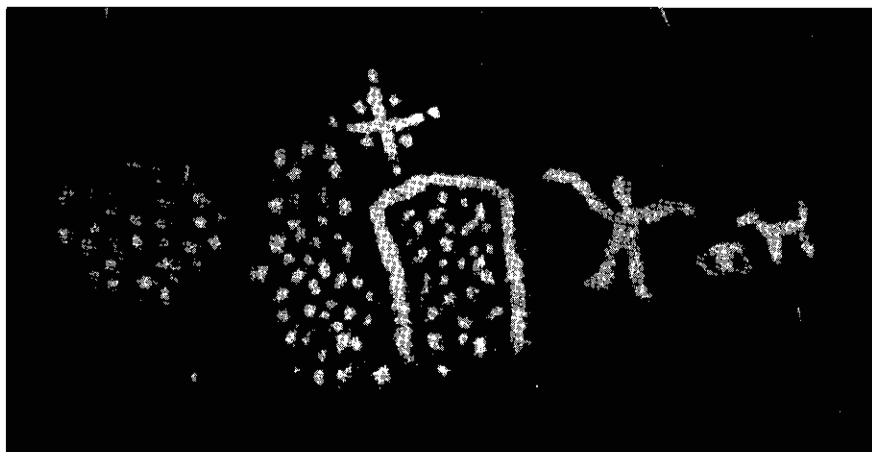
همین گونه است داستان زن تازه‌زا، چون می‌خواهند او را با کودکش از چشم بد و نیروهای شیطانی و ارواح خبیث نگاهدارند این پیکره را بر چادر او می‌آورند.

در برخی جاها زانو را تنها نمی‌گذارند که مبادا جاننداری به نام «آل» بیاید و به او آسیب برساند. یا برای جلوگیری از گزند، شمشیر، چاقو، قیچی یا ابزار فلزی دیگری را نزد او می‌گذارند و به دیوار خط می‌کشند و معتقدند که این جاندار افسانه‌ای با دیدن این ابزار نزدیک نخواهد شد.

۱ - اشاره به مقاله سودمند «مازنجیل» پژوهشگر فرزانه مرتضی فرهادی، در نامه فرهنگ ایران دفتر دوم سال ۱۳۶۵.



«نگاره ۱۶۰» جلیپا بر چادر زن تازه‌زا



«نگاره ۱۶۱» پیکره جلیپا - چوپان و سگش و دایره‌های بسیار

۱ - فرتورها از مرتضی فرهادی در نامه فرهنگ ایران.

این گفته ممکن است برای زادمان «نسل» کنونی پذیرفتنی نباشد ولی من خود این داستان را شنیده و این پرده‌نمایش را در پنجاه سال پیش در تهران دیده‌ام.

هنوز هنگامیکه آش نذری یا شله‌زرد می‌پزند و برای بستگان و همسایگان می‌فرستند بر روی آن با گرد گیاهان خوشبو، چلیپا می‌نگارند و در هر یک از خانه‌ها با همان گرد خال‌گذاری می‌کنند.... بی آنکه به فلسفه این کار بیندیشند و بدانند چرا چنین می‌کنند.... و باز هم چنان خواهند کرد.

برگردیم به گذشته‌های بسی دور، آن هنگام که انسان آوندی برای خوراک، کوزه‌ای برای آب، خانه‌ای برای آرام گرفتن، قربانگاه و نیایشگاهی برای پرستیدن و گوری برای جاودانه خفتن ساخت، بر آن چلیپا گذاشت.

این چلیپا تنها یک زیور و آرایه نبود، نمادی از نیروهای پنهانی و ماوراءالطبیعه بود. نگارگر از این نماد می‌خواست تا خود، خوراک، آشام و خانه و نیایشگاه و گورستان او را از اهریمنی‌ها و عوامل زیانمند نگاهدارد. و به شخص او فروغ راستی، تقوی، بخشش و زیبایی درونی بتاباند.

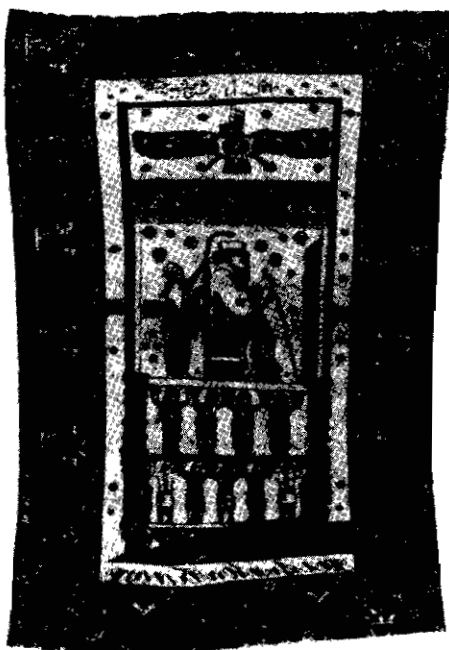
از سال ۱۲۳۸ هجری قمری قالیچه‌هایی با نقش تخت جمشید به دست بافندگان قشقائی بافته شده است که الگوی یکی از آنها بدنه کاخ سه دروازه تخت جمشید می‌باشد. این سنگتراشی نشان می‌دهد داریوش بر تخت نشسته و نمایندگان ملت‌های گوناگون شاهنشاهی ایران تخت او را بر سر نگاهداشته‌اند.

تاریخ بافت این قالیچه که به سفارش عبدالله قشقائی است، سال ۱۳۱۸ هجری قمری بوده و نوشته‌ای به زبان فرانسه دارد. در نوشته دیگری به زبان فارسی آمده «آرایش جمشید»^۱

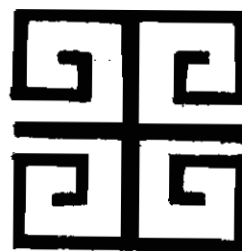
آنچه گفتنی و دیدنی است، چلیپاهائی است که در پیرامون داریوش بافته شده. باید دانست که در سنگتراشی کاخ، چلیپا نیست و این کار از بافنده قالیچه می‌باشد.

۱- دست‌بافت‌های عشایری و روستائی فارس، سیروس پرهام، ۱۳۶۴، امیرکبیر برگ‌های ۲۸۷ و ۲۸۸.

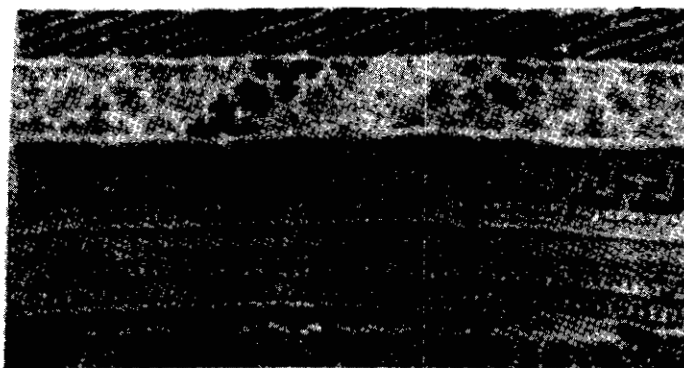
۲- برخی از مردم این پیکره را از آن جمشید می‌دانند.



قالیچه با نقش تخت جمشیدی و چلیپا در پیرامون داریوش
«نگاره ۱۶۲»



نقش چلیپا بر قالیچه کاشمر



زنجیره چلیپا بر گلیم بختیاری
«نگاره ۱۶۳»

در دیلمان از بخش سیاهکل، شهرستان لاهیجان که هنر دستی زنان آنجا بیشتر شال‌بافی است، جورابهایی می‌بافند که دارای نگاره‌چلیپا به اینگونه می‌باشد: ۱:

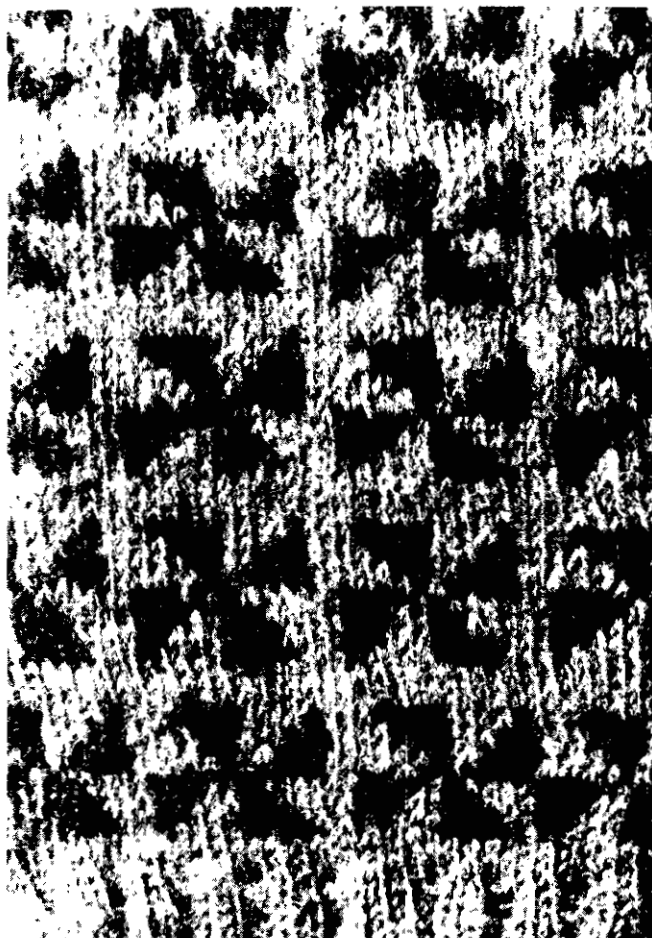


در دیلمان که مرکز دهستان دیلمان است آثار و نشانه‌ها و ساختمانهای کهن مانند: آجر سفال و راه آب‌های زیرزمینی دیده شده و این می‌رساند که در زمانهای پیشین آباد و پرجمعیت بوده است.

این نگاره که به پروانه‌آسیاهای آبی و بادی و نیز پروانه‌دستگاههای دیگر همانندی دارد، یادآور آخشیج‌های چهارگانه است که بر روی هم با گردش و چرخش خود نظام طبیعت و دهناد آفرینش را نگاه می‌دارد و دگرگونی یا مرگ و زندگی می‌آفریند.

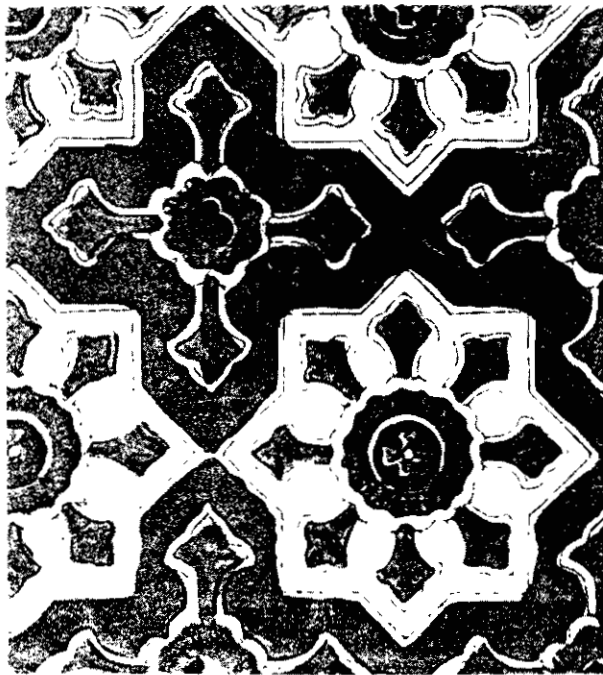
بافت اینگونه جورابها یا کارهای دستی دیگر با نگاره‌چلیپا از روزگاران پیش میان مردم این دهستان رواج داشته و از یک‌صد سال پیش که پیران ده به یاد دارند این نشانه را بر روی کارهای دستی دیده‌اند.

این خود می‌رساند که از دیرگاه بافتن این نماد بر روی بافتنی‌ها میان بانوان هنومند به آئین بوده است. این نگاره را با نگاره‌های چپ‌گرد و راست‌گرد در موسیان و سفال‌تپه حاجی محمد و سفال‌بکون در فارس بسنجید.



چلیپا بر روی کار دستی از دیلمان
«نگاره ۱۶۴»

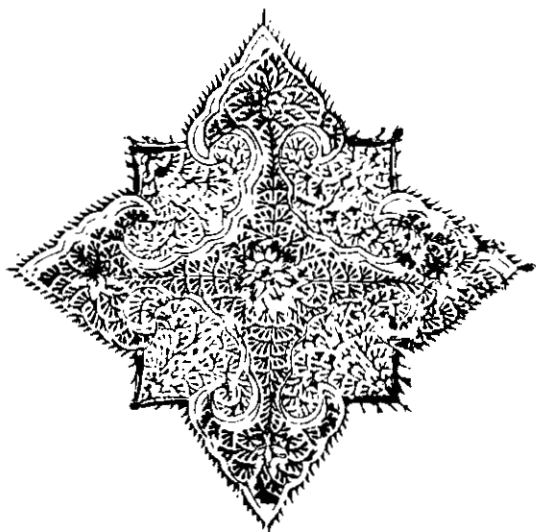
در ایران بر روی پارچه نقش‌های گوناگونی می‌زنند که امروز به آن قلمکار می‌گویند و در گذشته‌ها آن را «چیت‌سازی» می‌نامیدند. این کار از روزگاران پیشین در چین و هند و ایران رواج داشته است. در نگاره‌های زیر چند نمونه از نقشها را می‌بینید که بیشتر آنها چلیپا گونه است.



«نگاره ۱۶۵» نگاره خورشید و چلیپا



«نگاره ۱۶۶» دو چلیپ بر روی هم



«نگاره ۱۶۷» چلیپا از نقش گل و بوته که با خط‌های شکسته پوشیده شده. ۱.

۱ - نقش قلمکارها از کتاب، مجموعه قلمکار ایران، گردآوری عبدالحسین احسانی، تهران، ۱۳۵۰ خورشیدی.

صلیب سرخ

کاربرد دیگر چلیپای ساده در بیمارستان‌ها، بهداری‌ها و افزار و خودروهای وابسته به این گونه بنیادها می‌باشد. اینک برای آنکه به خوبی دریابیم چگونه این نشانه دَخشک (مشخصه، آرم) این بنیادها که در بهداشت و تندرستی و نیرومند سازی مردم کار می‌کنند و از روی نیکوکاری و مردم‌دوستی پایه گذاری شده نه سود جوئی، شایسته است پیشینه پیدایش سازمان صلیب سرخ را به کوتاهی بررسی نمائیم:

اندیشه به وجود آوردن صلیب سرخ در ۲۴ ژوئن ۱۸۵۹ میلادی در میدان نبرد سولفرینو در مغز مردی به نام «هانری دونان» راه یافت و سرانجام وی پایه گذار سازمانی گردید که هدفش همکاری و کمک و همدردی ملی و بین‌المللی است.

هانری دونان در سال ۱۸۲۸ در شهر ژنو پا به جهان گذاشت، از بیست سالگی به جرگه کشیشان پیوست. وی از زندانها و بخشهای فقیر نشینان بازدید می‌کرد. پس از آن به کار نزد بانکداران پرداخت. وی به قسطنطنیه و الجزایر رفت. دلبستگی فراوان به ساختن آسیا در جمیلا از بخشهای قسطنطنیه داشت، لیکن پیشرفتی نکرد. در سال ۱۸۵۹ راهی اروپا شد تا با ناپلئون سوم که در این هنگام با اتریشها در جنگ بود دیدار کند و درخواست یاری نماید.

در روز ۲۴ ژوئن نبردی خونین برای تصرف برج سولفرینومیان فرانسویان و اتریشی‌ها در گرفت. گرچه ارتش فرانسه پیروز شد اما ۱۷۰۰۰ نفر کشته داد و